

انسجام در پیکره میان فرهنگی فرهنگ فقر شهری
(تحلیل سازه‌ای و بین‌رشته‌ای فرهنگ فقر شهری در تهران،
مورد مطالعه: مناطق ۱۰ و ۱۷ شهر تهران)
(صفحات ۲۴۵ تا ۲۷۴)

<https://doi.org/10.71689/icsq.2025.1202372>

فاطمه ملک محمدی^۱ * اصغر مهاجری^۲ * مهرداد نوابخش^۳

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

چکیده

در تعامل میان فرهنگی (فرهنگ روستایی، ایلاتی، شهری و غیره) برخی از خرده‌فرهنگ‌های پیرامون فقر، فرهنگ فقر شهری بر ساخت می‌شود. در نتیجه واقعیت فقر، ماهیت فرهنگی خاصی را نمایان می‌سازد و صاحبان این فرهنگ (فقرا) معنا و تفسیر دیگری از فقر می‌نمایند و مسئله فقر متمایز بیان می‌شود. اهمیت و ضرورت چنین نگاه و رویکردی به مسئله فرهنگ فقر، به دلیل روند روبه‌افزایش فقر شهری و الگوی انشعاری آن در شهرهای جهان، ایران و به طور خاص در شهر تهران در دهه‌های اخیر، دوچندان است. نوشتار حاضر بخشی از یک پژوهش است که زمینه‌ها، میانجی‌ها و پیامدهای فرهنگ فقر، فقر فضای شهری و فرهنگ فقر شهری را در سطوح خرد و کلان، ذهن و عین، ساختار و عامل، به‌ویژه از منظر رشته‌های فرهنگی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی فرهنگی، در برخی مناطق شهری تهران به روش آمیخته هم‌زمان و متوالی مطالعه و پژوهش نموده است. حجم نمونه بخش کیفی پژوهش برای اجرای گروه متمرکز ۱۴ متخصص و خبره و برای بخش کمی (پیمایش) ۳۶۰ خانوار از مناطق ۱۰ و ۱۷ شهر تهران بود که به شیوه نمونه‌گیری جی‌پاور، انتخاب و پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته روادار (آلفای بیش از ۰/۹۴) را تکمیل کردند. برخی از دست‌آوردهای بخش کیفی، تعریف و بر ساخت سازه مفهومی و نظری فرهنگ فقر شهری و تدوین ابعاد تشکیل‌دهنده و نظام‌مندی آن در قالب گزاره‌های نظری است. یافته‌های پیمایش، سنجش فرضیه‌های مرتبط با فرهنگ فقر شهری است که نشان‌گر انسجام درونی و بیرونی آن‌ها و تأیید معناداری رابطه میان خوشه‌ای و درون خوشه‌ای فرهنگ فقر شهری با فقر فضای شهری توسط آزمون‌های آماری T و همبستگی‌های رگرسیونی است.

واژگان کلیدی: فقر، فرهنگ فقر شهری، فقر فضای شهری، فرهنگ شهری، میان فرهنگی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران: Malekmohammadi_fa@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران (نویسنده مسئول): asgharmohajeri@yahoo.com

۳. استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران: navabakhsh@srbiau.ac.ir

۱- بیان مسئله

زمانی که فقر و به‌ویژه فقر شهری^۱ در یک تعامل میان فرهنگی (فرهنگ روستایی، ایلاتی، شهری و غیره) فرهنگ می‌شود، واقعیت فقر برساخت دیگری را نمایان می‌سازد و صاحبان این فرهنگ (فقرا) معنا و تفسیر دیگری از فقر می‌نمایند. در چنین وضعیتی نه تنها صورت و بیان مسئله فقر متمایز می‌شود، بلکه تعریف و تفسیر بازتولیدی و جدیدی از فقر ظاهر می‌گردد که توصیف، تبیین، برآورد/پیش‌بینی و به‌ویژه تجویزهای کاربردی آن نه تنها متفاوت است، بلکه رویکرد نوین تلفیقی و بین‌رشته‌ای را ایجاب می‌کند تا بتوان در سایه‌سار نظام نظری ویژه و روش‌پژوهی خاص آن را کاوید و کالبدشکافی نمود. نگاه فرهنگی به فقر و فقر شهری، در سطوح خرد و کلان، ذهن و عین، ساختار و عامل، به‌ویژه از منظر رشته‌های فرهنگی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی فرهنگی، نه تنها مهم بلکه بسیار ضروری است. اهمیت چنین نگاه و رویکردی به مسئله فرهنگ فقر به دلیل روند روبه‌افزایش فقر شهری و الگوی انتشاری آن در شهرهای جهان، ایران و به‌طور خاص در شهر تهران در دهه‌های اخیر، دوچندان است.

چشم‌ها را شست و مسئله فقر و به‌طور خاص فقر شهری را جور دیگر باید دید. چون که در فرایند توسعه نامتوازن با ایجاد زمینه‌ها، بسترها و شرایط خاص، ریشه‌های فقر جوانه می‌زند، رشد می‌کند، تنومند می‌گردد و به تأیید نظریه اسکار لویس، پس از نهادی و تثبیت شدن در چند نسل، الگوی ویژه‌ای برای انتشار و انبساط پیدا می‌کند و در نهایت فقر، فرهنگ شده و نظام معیارین آن در قالب ارزش‌ها و هنجارها در زندگی و امروزه در زندگی شهری جاری می‌شود و کیفیت زندگی شهری را تعیین می‌کند. در زیست جهان اجتماعی امروزین، پدیده فقر چتر خود را در شهرها گسترانده و کیفیت زندگی شهری را تهدید و انواع آسیب‌های شهری بازتولید می‌نماید. هرچند در تبیین ریشه‌ها و دلایل گسترش فقر درمی‌یابیم، فقر انتقالی از زیست‌گاه‌های فقیر روستایی و مناطق محروم، به شهر مهاجرت می‌کند، اما این فقر انتقالی در بسترها، زمینه‌ها و شرایط شهری مانند فقر فضای شهری، برساخت، تنومند و به‌عنوان یک فرهنگ انبساط و گسترش می‌یابد؛ به‌عبارت‌دیگر، در مرحله پایانی، پیامدی و کارکردی چرخه معیوب توسعه ناپایدار یک

1- Urban Poverty

جامعه و کشور به نقطه شروع و آغازین یک توسعه نامتوازن شهری می‌رسیم. به تعبیر مایکل تودارو (۱۳۹۹)، صاحب‌نظر پرآوازه عرصه اندیشه‌های توسعه، مهاجر فقیر به دلیل چرخه و فرآیند معیوب توسعه‌نیافتگی، از «چاله روستا برمی‌خیزد و به چاهی در شهر می‌افتد» و در نتیجه، آهنگ بازتولید فرهنگ فقر شهری نواخته می‌شود. از این روی از فرهنگ فقر اسکار لویس باید گذر کرد و از سازه جدید «فرهنگ فقر شهری» سخن گفت و بر این بنا و ساختمان جدید، گزاره‌های نظری جدیدی چیدمان کرده و نظریه فرهنگ فقر شهری را تدوین نمود. هدفی که دغدغه نوشتار حاضر است و از اهداف تحلیل میان‌رشته‌ای و میان‌فرهنگی سازه و پیکره فرهنگ فقر شهری می‌باشد که حاصل تعامل فرهنگ‌های مبدأ و مقصد تولیدکنندگان و گسترش‌دهندگان فرهنگ فقر شهری است. باید بعداً از این اصطلاح و سازه کلیدی فقر شهری، فراوان نوشت و در پیرامونش پژوهش نمود و برای آن انباشت دانشی ایجاد کرد. هرچند در پهنای گسترده زندگی شهری، فقر شهری رشد بی‌رویه داشته و کیفیت زندگی شهری، مسئله عمده زیست شهری امروزین جهان است، اما در این میان، عامل پیش‌ران و علی‌با نام فرهنگ فقر شهری^۱ در درون یک «فضای شهری»^۲ به‌عنوان عامل تسهیل‌گر، آسیب‌های فرهنگی اجتماعی/شهری را در کیفیت زندگی شهری ترجمان و بازنمایی می‌کند.

حال اگر مسئله را ناسازگاری بین وضع مطلوب (رفاه، آسایش، کیفیت زندگی شهری مطلوب و مورد انتظار) و وضع موجود (فقر، نداری، فقدان رفاه و تأمین اجتماعی و معیشتی و یا کیفیت زندگی شهری نامطلوب) در جامعه آماری پژوهش تعریف کنیم، آن هنگام بر اساس واقعیت‌های قابل مشاهده میدانی، آمارها و گزارش‌های مستند موجود، باید مدعی شد که وضعیت و میزان فقر شهری، فقدان رفاه، آسایش و کیفیت زندگی شهری برخی مناطق و محله‌های پایتخت کشور، پایین، نامطلوب و نگران‌کننده است و این وضعیت ناگوار با انتشار گسترشی، پیش‌رونده و روزافزون انواع گونه‌های آسیب‌های شهری و پخش فضایی آن در برخی از مناطق و محله‌های شهر تهران در حال رشد،

۱- فرهنگ فقر شهری، نامی است که پژوهش حاضر قصد دارد آن را به‌عنوان یک سازه مفهومی به ادبیات دانش شهری

و به‌ویژه به جامعه‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی شهری، اضافه نماید.

هشدار و ویران‌گری است. به تعبیر بیلسو برو (۱۹۹۸)، بالاتر از سطح شهرنشینی و پایین‌تر از فقر مطلق هستیم؛ به عبارت دیگر، هرچند تعداد شهرنشینان بیشتر می‌شود، اما تأثیر مطلوبی در کاهش فقر مطلق در مناطق شهری و روستایی ندارد. وضعیت فقر و فقر شهری در ایران، با سرعت بیش‌تری روبه‌افزایش است و بر اساس آخرین برآوردهای صورت گرفته در سال ۱۳۹۸، دست کم ۶۰ درصد خانوارهای دهک اول درآمدی و ۸۳ درصد خانوارهای دهک دوم درآمدی زیرپوشش هیچ کدام از نهادهای رسمی نیستند. این وضعیت در سالیان اخیر و به‌ویژه در سال ۱۴۰۳، بسیار نگران‌کننده‌تر است.

برخی روستائینان و مناطق فقیر بر اساس باور کاذب و زعمشان که شرایط ثروت، رفاه، آسایش، کیفیت زندگی شهری، مانند فرصت‌ها و شانس‌های بهره‌مندی از خدمات معیار و مطلوب شهری، مسکن و دیگر الزامات استاندارد یک زندگی، در شهرها فراهم است و با «امید به زندگی و زیست شهری بهتر، به شهری با توسعه نامتوازن مهاجرت می‌کنند» (باقری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹) اما این مهاجران پس از پناه آوردن به شهر، وضع مطلوب خیالی را تجربه نمی‌نمایند. چون که این وضع مطلوب در بسیاری از شهرهای ایران همچون جامعه آماری پژوهش حاضر وجود ندارد و وضع موجود آنان با وضع مطلوبشان، ناسازگار، متعارض و متناقض است. هرچند آنان میل به تغییر این وضعیت دارند، اما در چنبره موانع و محدودیت‌های ناشی از تله بزرگ فرهنگ فقر شهری و بالتبع، آسیب‌های شهری ناشی از آن گرفتار بوده و نمی‌توانند از وضع موجودشان عبور کنند و این بار زندگی‌شان بوی فقر شهری می‌دهد. به گزارش پژوهشگران برجسته جهانی، در پی ایجاد و گسترش فقر شهری، مسائل و آسیب‌های شهری در طول تاریخ در نواحی شهری / حاشیه‌نشین‌های شهری بالا بوده و کیفیت زندگی شهری در جهان امروزی و به‌ویژه در کشورهای جهان‌سومی پایین است (دهلوی، ۲۰۰۰: ۳۰۱)؛ به‌طوری که بسیاری از ناهنجاری‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی در جوامع معاصر، مانند خشونت، پرخاشگری، تجاوز به حقوق دیگران و رعایت نکردن قانون و غیره، علاوه بر داشتن ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی در کیفیت فضاهای سکونتی و کاری آنان نهفته است (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۱۹) و نگرانی درباره فقر شهری با توجه به آسیب‌های مذکور از خصوصیات جامعه شهری معاصر است (پکینو، ۲۰۰۳: ۱۹). فرهنگ فقر شهری به‌عنوان

یک «برساخت فرهنگی اجتماعی»^۱ پی‌آمد فقر شهری و آسیب‌های شهری است که از آسیب بنیادی و علی فقر شهری شروع شده، فقر فضای شهری گسترش می‌یابد. پژوهش حاضر به‌عنوان اولین پژوهش و تجربه می‌خواهد به صورت نوآورانه، مسئله و موضوع مزبور را در ساحت پژوهشی بین‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی فرهنگی، توسعه، شهری، برنامه‌ریزی شهری و غیره) و در سطوح عینی و ذهنی (تلفیقی) بررسی و پژوهش کند و در یک نظام برهم‌کنشی و برساختی انسجام ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ فقر شهری، فقر فضای شهری را ابتدا به روش کیفی برساخت و سپس در جامعه آماری پژوهش اندازه‌گیری و سنجش نماید و میزان همبستگی و رابطه معناداری ابعاد تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری و فقر فضای شهری، میزان رابطه شدت شیوع فرهنگ فقر شهری را با میزان وسعت فقر فضای شهری، توصیف، تبیین، برآورد و برای حل مسئله تجویزهای کاربردی ارائه نماید.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

به تعبیر کرسول (کرسول، ۱۳۹۶: ۳۴) پرسش‌های پژوهش راهنمای مرور ادبیات تجربی و نظری پژوهش است. از این‌رو بر اساس پرسش‌های بنیادین، وضعیت توزیع و میزان انسجام و همبستگی ابعاد تشکیل‌دهنده عامل فرهنگ فقر شهری در محله‌های جامعه آماری پژوهش و توزیع وضعیت عامل فقر فضای شهری، به‌عنوان یک عامل زمینه‌ای مؤثر در بازتولید و پخش فضایی فرهنگ فقر شهری، ادبیات تجربی و نظری نوشتار حاضر را بررسی و مرور می‌کنیم.

هرچند در مورد تحلیل سازه عامل فرهنگ فقر شهری و فقر فضای شهری مطالعه و پژوهش جدی و مستقیم وجود ندارد، ولی برخی مطالعات به صورت مستقیم/ غیرمستقیم در ایران به فقر شهری، دلایل و پی‌آمدهای آن در شهرها پرداخته است. این مطالعات، پژوهش‌ها و نوشتارها، بیش‌تر در دهه اخیر انجام پذیرفته‌اند که در ادامه برخی از ادبیات تجربی در حوزه فقر شهری و مسائل پیرامونی آن را به خلاصه و با توالی تاریخی مرور می‌کنیم.

1- Cultural & Social construction

عینی (۱۳۷۶) در پژوهشی، مدل اسکار لوئیس را در تعدادی از روستاهای فقیرنشین ایران مورد آزمون قرار داده است. او دریافت که «فرهنگ فقر» در روستاهای مورد مطالعه وجود دارد و برای حل این مشکل، افزایش سواد بین روستاییان را پیشنهاد نمود. پیران (۱۳۸۴) موضوع فقر را در حاشیه‌نشینی و حلبی‌آبادها، به‌ویژه حلبی‌آبادی‌هایی که در فاصله سال‌های بعد از انقلاب در شهر تهران پدید آمده بودند را پژوهش کرده است. در این مطالعه اجتماع آلونک‌نشین مناطق ۲، ۴، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۲۰، شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهشی او نشان می‌دهد که هرچند به نظر می‌رسد انقلاب چون به‌گونه‌ای زمینه‌ای را برای فقرا فراهم کرده تا آنان برای خود در نظام سیاسی «نقش» قائل شوند و از این روی فرهنگ فقر کم‌وبیش از بین برود، ولی برای آن مصداقی مشاهده نشد. احمدی و ایمان (۱۳۸۴) در پژوهش ارتباط فرهنگ فقر و رفتارهای بزه‌کارانه در بین حاشیه‌نشینان ده پیاله شهر شیراز دریافتند که فرهنگ فقر از مناطق فقیر مهاجر فرصت به مناطق حاشیه‌نشین شهر، منتقل و در آن تشدید می‌گردد و رابطه معناداری بین رفتارهای بزه‌کارانه با فرهنگ فقر وجود دارد. نوابخش و همکاران (۱۳۸۷) در یک بررسی با روش پیمایشی درباره فقر در بین حاشیه‌نشینان آخمایه تبریز، به این نتیجه رسیدند که قانون‌گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و فرهنگ فقر بسترهای مناسبی را برای قانون‌گریزی و توجیه اعمال قانون‌گریزانه فراهم آورده است و فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی و توجیه رفتار هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیر هنجاری عمل نماید. شاه‌حسینی و همکاران (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود در دانشگاه رازی با عنوان شناخت فرهنگ فقر روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان هرسین) بیان می‌دارد که بسیاری از مشکل‌های اجتماعی، پی‌آمد فقر می‌باشند. فقر به دلیل قدمتی که دارد، توانسته است در فرهنگ جامعه‌های مختلف نفوذ نماید و فرهنگی به نام، فرهنگ فقر را برای فقرا ایجاد کند. از آنجایی که قسمت بزرگی از برنامه‌های توسعه روستایی، مربوط به بحث فقرزدایی است، او معتقد است بدون شناخت این فرهنگ نمی‌توان در فقرزدایی موفق بود؛ بنابراین، باید فرهنگ فقر را در بین روستاییان شناسایی نمود. نتیجه پژوهش بیانگر این است که مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین روستاییان شهرستان هرسین شامل موارد زیر است: عدم توجه به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، موروثی بودن فقر، انزوای شدید اجتماعی، انزوای فضایی

و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد و عدم مشارکت اجتماعی. عزیزی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی رابطه حاشیه‌نشینی با بازتولید فرهنگ فقر پرداخته است و بیان می‌دارد که بر اساس نظریه فرهنگ فقر که اسکار لوئیس مطرح می‌کند، مناطق حاشیه‌ای شهرها دارای شرایط و ویژگی‌های فرهنگ فقر هستند و در این مناطق حاشیه‌ای فرهنگ فقر بازتولید می‌شود. مدل نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریه شبکه و فرهنگ فقر اسکار لوئیس طراحی شده است. روش مورد استفاده روش پیمایش با ابزار گردآوری پرسشنامه می‌باشد که در محله شهید مطهری (زیرنهر تراب) پارس آباد مغان به تعداد ۳۳۶ نفر تکمیل شده است. بر اساس نتایج پژوهش مزبور با مقدار همبستگی ۰/۲۲۸٪ بین سکونت در محله‌های حاشیه‌ای و بازتولید فرهنگ فقر در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری وجود دارد. مهاجری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی دریافتند که فرهنگ فقر شهری، سازه‌ای پیچیده، چندلایه و چندبعدی است که در فقر فضای شهری گسترش می‌یابد و شرایط را برای گسترش آسیب‌های شهری فراهم نموده و به شدت کیفیت زندگی شهری را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، عامل فرهنگ فقر شهری بیش از ۸۰ درصد واریانس کیفیت زندگی شهری را تبیین می‌کند.

پژوهش‌گران خارجی هم به صورت مستقیم / غیرمستقیم در پیرامون فرهنگ فقر مطالعه و پژوهش کردند. در پژوهشی که لوئیس (۱۹۵۳) قبل و بعد از انقلاب کوبا در محله‌های فقیرنشین کوبا انجام داد، به این نتیجه رسید که اگرچه در آن محله‌ها فقر کاملاً از بین نرفته است، اما فرهنگ فقر در آن جا در حال از بین رفتن است، زیرا حرکتی که انقلاب در آن جا به وجود آورد، احساس بدبختی، بی‌علاقگی و ناامیدی که همگی از وجوه مشخصه فرهنگ فقر در محله‌های فقیرنشین شهرهاست، در بین مردم کوبا بسیار کم به چشم می‌خورد و مردم نسبت به رهبران خود اعتماد بسیاری داشتند و امیدوار بودند که در آینده کیفیت زندگی بهتری داشته باشند. بعد از انقلاب، مردم مملکت را متعلق به خود می‌دانستند و به علت احساس تعلق بالایی که نسبت به کشور خود داشتند، احساس قدرت و اهمیت می‌کردند (به نقل از اشرف، ۱۳۵۵: ۹۴). کاهش فرهنگ فقر بیش از فقرزدایی می‌تواند در کاهش انحراف اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی مؤثر باشد.

کاساردا^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی که بر روی صد شهر بزرگ آمریکایی انجام داده، ترکیبی از آمارهای رسمی فقر، نواحی محروم و طبقه پایین را برای ایجاد دو نشان‌گر پایه نواحی نابسامان و شدیداً نابسامان استفاده کرده است. نواحی نابسامان، مناطقی هستند که آمارهای رسمی به‌طور هم‌زمان نشان‌دهنده سطوح عنان‌گسیخته و فقر بالا، بیکاری، خانوارهای زن سرپرست و دریافت‌کنندگان رفاه می‌باشند. نواحی شدیداً نابسامان علاوه بر همه خصوصیات فوق، میزان بالایی نوجوانان ترک‌حصول کرده را نیز دارا هستند که نشانه‌های متفاوتی از نابسامانی اجتماعی و پریشانی ساکنان را مطرح می‌کند. مطابق مطالعات کاساردا، عمومی‌ترین شاخص نابسامانی اجتماعی، اندازه‌گیری درصد رسمی فقر فرهنگی در محدوده یک شهر است. کاساردا همچنین تأکید دارد که علاوه بر فقر، نابسامانی اجتماعی با آسیب‌شناسی شرایط اجتماعی نیز ارتباط دارد؛ درست مانند خصوصیات نابسامانی اجتماعی که توسط ویلسون در نظر گرفته شده بود. باین‌حال، طبق پژوهش جدید ویلسون و کاساردا، قلمروی تعاملات اجتماعی در مرکز شهرهای آمریکایی (دریک نمونه آرمانی مرکز شهری) از نظر اقتصادی شدیداً فاجعه‌آمیز و از نظر فرهنگی، ضد ارزش‌های اساسی می‌باشد که توان فردی را محدود می‌کند و ساختمان‌های معیوب که از تورفتگی‌هایی تشکیل شده (فقر فضای شهری) الگوهای آسیب‌ها را تقویت می‌کنند. یاپ و مکفارلی^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «درک و پژوهش در مورد فقر شدید شهری: یک رویکرد مفهومی - روش شناختی» دو مرحله به شناسایی و درک ماهیت فقر شدید شهری در شهر بمبئی و لیما پرداخته‌اند. آن‌ها فقر شدید شهری را از دیرباز به‌عنوان یک چالش حیاتی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تلقی کرده‌اند که نیازمند بررسی از طریق مجموعه‌ای از ابعاد و رویکردها است. سطح فقر شدید شهری با پنج بعد مادی، اقتصادی، سیاسی، فضایی و عاطفی ذهنی در ارتباط است. این دو پژوهشگر علل و بنیاد شکل‌گیری پدیده فقر شدید شهری را با چهار رویکرد معرفتی، اقتصاد سیاسی، اکولوژی سیاسی، شهرسازی فمینیستی و شهرسازی پسااستعماری بررسی کرده‌اند.

^۱ - Kasarda, J.D, Lindsay, G

^۲ - Christopher Yap & Colin McFarlane

۲-۲. ادبیات نظری

در مرور ادبیات نظری فقر، فقر شهری و فرهنگ فقر شهری، مفاهیم، اصطلاح‌ها، سازه‌ها، تعاریف و گزاره‌های نظری و ادبیات مفهومی و نظری غنی و قابل توجهی وجود دارد. از مهم‌ترین، کلیدی‌ترین و مؤثرترین سازه‌های اجتماعی که در زیست جهان اجتماعی امروزی و به‌ویژه در حوزه‌های دانشی بین رشته‌ای؛ علوم اجتماعی، انسانی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی، گرایش‌های جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، توسعه، شهری و به‌ویژه جامعه‌شناسی فرهنگی بسیار کاربرد دارد، واژه و سازه چندبعدی و چندلایه فقر^۱ است. «فقر یک پدیده چندبعدی است که شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود در دستیابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، پناهگاه و امکانات بهداشتی است که آسیب‌پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد» (کلهر، ۱۳۸۴: ۲۰). عموم نظریه‌پردازان این حوزه، از یک‌طرف، فقر را در کنار محرومیت می‌آورند و معتقدند این محرومیت است که دسترسی به فرصت‌ها، شانس‌ها و منابع زندگی را محدود می‌سازد و از طرف دیگر، محرومیت/ فقر را ناشی از نابرابری و توسعه‌نیافتگی می‌دانند. «تانزند متخصص اقتصاد جهان سوم، فقر و گرسنگی را رهیافتی تحلیلی به سوی محرومیت به‌عنوان هسته اصلی تعریف فقر می‌داند» (زاهدی مازندرانی و زاهدی عقبری، ۱۳۹۶: ۱۵). بر اساس نظریه گیدنز، فقر نتیجه داشتن/ نداشتن محرومیت از وسایل تولید است. به نظر او، سرمایه‌داران قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند، زیرا دارای حق دسترسی و مالکیت بر ابزار تولید می‌باشند.

به تعبیر لوئیس، افراد فقیر شاید بدون فرهنگ فقر نتوانند زندگی کنند. اسکار لوئیس در سال ۱۹۵۹ برای بیان نحوه زندگی افراد فقیر و فرودستان شهری، سازه بسیار بنیادین فرهنگ فقر را ابداع کرد. از نظر اسکار، فرهنگ فقر سندرم ویژه‌ای است که در برخی اوضاع اجتماعی خاص رشد می‌کند. این فرهنگ تجسم مشترک ارزش‌ها، هنجارها و الگویی متفاوت از فرهنگ عمومی جامعه است و به دلیل خصیصه‌های جهانی، دارای اهمیت جهانی است و از تفاوت‌های منطقه‌ای، روستایی، شهری و ملی فراتر می‌رود (لوئیس، ۱۹۵۹: ۳۱). او فقر را دارای ساخت‌وساز و عمل عقلایی با شیوهی از

I - Poverty

زندگی پابرجا معرفی می کند که از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. او معتقد است که فقر صرفاً جنبه سلبی ندارد و در واقع فقط به معنای محرومیت اقتصادی نیست، بلکه فقر شیوهی از تفکر و مجموعه‌ی از هنجارهاست که ویژگی سازگار کننده نیز دارد. نکته مهم تر این که نسل‌های مختلف این فرهنگ را به ارث می‌برند و آن را باز تولید می‌کنند. به اعتقاد اسکار لوئیس فرهنگ فقر فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهرنشین به وجود آمده است (به نقل از فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۵). به اعتقاد او فرهنگ فقر را می‌توان در محله‌های فقیرنشین شهری و روستایی بهتر مطالعه کرد و به احتمال زیاد، نامزدان فرهنگ فقر افرادی از طبقات پایین اجتماعی هستند که اجتماعشان در معرض دگرگونی سریع قرار گرفته و در نتیجه تاحدی از اجتماع خود بیگانگی حاصل کرده‌اند (لوئیس، ۱۹۵۹: ۱۰). اسکار لوئیس در زمینه فرهنگ فقر به بیش از ۷۰ خصوصیت آن اشاره کرده است که غالباً در پنج زمینه و ابعاد کلی می‌توان آن را مطالعه کرد که عبارتند از:

- ۱- فرهنگ فقر به عنوان یک پاره فرهنگ در خانواده فقیر از نسلی به نسلی منتقل می‌شود.
- ۲- ائتلاف در طبقه فقیر در جوامع فردگرای طبقاتی بسیار مشکل تر امکان پذیر است.
- ۳- شرکت در فعالیت‌های سازمان‌های خارج از خانواده بسیار محدود است.
- ۴- در سطح خانواده به روابط مشترک و سکس تمایل بیشتری وجود دارد.
- ۵- احساس استفاده از حداکثر منابع موجود، احساس عدم پشتیبانی و احساس حقارت در این جوامع به چشم می‌خورد.

بنت (۲۰۲۰) در کتاب فقرش در مورد اهمیت و گستردگی فقر می‌نویسد «فقر برای بسیاری از افراد در پیرامون یک وضعیت زندگی روزمره جهانی مهم و جدی است و به شدت کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باعث خسارات بر جوامع می‌شود و بر انسجام اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با وجود این، از بسیاری جهات هنوز توافق بر سر چگونگی اندازه‌گیری و درک فقر وجود ندارد و یا توافق مشترک کمتری در مورد علل فقر به چشم می‌خورد، ولی درک‌های مختلف ملی و بین‌المللی از این که فقر را می‌توان خیلی جدی در نظر گرفت، وجود دارد. با وجود این، سنجش فقر با همه گونه‌هایش

همچون فقر مطلق، نسبی، نسلی، زنانه، روستایی، شهری و غیره، مشکل است و با شیوه‌ها و سنج‌های مختلف اندازه‌گیری و سنجش می‌شود. به‌عنوان نمونه، بنت گرایو صاحب کتاب فقر^۱ به نقل از استارت یور، اتحادیه اروپا، محرومیت مادی/ فقر و یا محرومیت شدید را مربوط به عدم توانایی پرداخت یک یا چند مورد از موارد زیر تعریف کرده است. عدم توانایی در: ۱. پرداخت قبض اجاره، رهن یا آب و برق آن‌ها، ۲. گرم نگه داشتن خانه خود اندازه کافی گرم، ۳. در مواجهه با هزینه‌های غیرمنتظره، ۴. مصرف منظم گوشت یا پروتئین، ۵. رفتن به تعطیلات، ۶. برای خرید یک دستگاه تلویزیون، ۷. خرید یک دستگاه ماشین لباسشویی، ۸. خرید یک دستگاه خودروی شخصی و ۹. برای تهیه یک تلفن. از نظر بنت، محرومیت مادی به‌عنوان عدم توانایی و تحقق سه مورد از شماره‌های مزبور تعریف می‌شود. درحالی‌که میزان محرومیت شدید مادی به‌عنوان عدم توانایی و پرداخت حداقل چهار مورد تعریف می‌شود. به طور طبیعی، ممکن است در مورد اهمیت همه موارد نظرهای مختلفی وجود داشته باشد (گرایو، ۲۰۲۰: ۵۴).

از گونه‌های مختلف و متعدد فقر، فقر شهری و فرهنگ آن مورد توجه نوشتار حاضر است. با وجود اهمیت و گستره فقر شهری، تعریف واحدی از آن وجود ندارد. فقر شهری که از دیدگاه بین‌المللی در مناطق شهری با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر رخ می‌دهد، یک پدیده چندبعدی است که با چالش‌های روزانه مانند: دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی، درآمد ناکافی، ناامنی مسکن، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و فرصت‌های آموزشی، خشونت‌ها، آسیب‌های شهری، محیط‌های ناسالم و فضاهایی با فقدان مکانیسم‌های حفاظت اجتماعی، مواجهه بوده و در بسیاری از محرومیت‌ها زندگی می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، فقر شهری مساوی با کیفیت زندگی شهری نامطلوب و پایین می‌باشد. فقر شهری یعنی زندگی در شرایط فعال، مستعد و مناسب آسیب‌پذیری شهری که همان حاشیه‌نشینی و بازتولید آسیب‌های شهری و زیستن در سطح پایین کیفیت زندگی شهری می‌باشد. «فقر شهری یعنی دارا بودن ابعاد پنج‌گانه فقر که شامل: فقر درآمد، فقر بهداشت، فقر آموزش و پرورش، فقر در احساس امنیت و ناامنی‌ها و فقر تصدی می‌باشد که فرصت‌های مشارکت در اداره شهر، برخورداری از خدمات و

۱- کتاب حاضر در حال ترجمه توسط اصغر مهاجری است که در آینده نزدیک ترجمه کامل آن چاپ می‌شود.

انسجام در پیکره میان فرهنگی فرهنگ فقر شهری.....

امکانات شهری و فرصت‌های توسعه‌ی را بسیار محدود می‌کند» (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰: ۳۷۱). فقر شهری و فقرای شهری نشانه‌ها و شاخص‌هایی به شرح ذیل دارند: عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی پایدار، به منابع درآمدی و درآمد پایدار، به مسکن مناسب، به خدمات و امکانات متعارف شهری، به فضاها و سرانه‌های مناسب شهری مانند فضاها: سبز، فرهنگی، هنری، خدمات درمانی، بهداشتی و غیره، سازوکارهای تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی و دریک کلام، عدم دسترسی به کیفیت زندگی شهری مطلوب.

زمانی در درون یک جامعه، اجتماع و یک فضایی مانند فضای شهری، بسترها و شرایطی شکل می‌گیرد که فرد و یا گروهی دچار درماندگی ذهنی می‌شوند و رکود فکری پیدا می‌کنند و از این طریق، فرهنگ فقر شهری در آن جامعه شیوع پیدا می‌کند. بر اساس یافته‌های نظری مزبور و همچنین گزاره‌های نظری سلیگمن، سندھیل مولایتین، شفر، بنت گریو، فقر، فقر شهری و عامل فرهنگ فقر شهری، نتیجه توسعه ناپایدار و به‌ویژه توسعه‌نیافتگی فرهنگی، تجمع باورها و رسوب فکری و فرهنگی تعیین‌بخش فقر در اذهان افراد است که آنان را درمانده ذهنی و ناتوان در تشخیص و تمیز ترجیحات ارزشی و به‌ویژه ارزش‌های فرهنگ شهری و دریک مفهوم فرهنگ فقر شهری می‌نماید. در نتیجه این فرآیند، آنان به منابع شهری از جمله فضای مطلوب شهری دسترسی محدودی دارند. به تعبیر سندھیل ملایتین (۱۳۹۸) فقر فرهنگی تونل ورود به فقر شهری و استقرار یافتن و ماندگار گشتن در تله فقر شهری می‌باشد. فقر فرهنگی موجب توجیه فقر اقتصادی می‌شود که افراد آن را مولود قضا و قدر می‌دانند. چنانچه شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، فقر از طریق باورها، ذهن و فرهنگ، دسترسی افراد به منابع ارزشمند را محدود می‌سازد و در این میان، فقر فرهنگ شهری، فرهنگ فقر و رکود ذهنی بسیار مهم است، چرا که بر اساس گزاره نظری سندھیل «فقر احمق می‌کند».



شکل ۱- چرخه بازتولیدکننده باورهای فرهنگ فقر شهری (منبع: پژوهش‌گر)

گزاره‌های نظری در مورد عامل فضای شهری، هم بیان‌گر نقش مهم این عامل در چرخه فقر شهری و فرهنگ فقر شهری است. نظریه‌های فضای شهری، گران‌گاه وحدت‌بخش بین‌رشته‌ای به‌ویژه در رشته‌های جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری، معماری، جامعه‌شناسی توسعه، فرهنگی، شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی است. صاحب‌نظران این نظریه ترکیبی معتقد هستند که فضای شهری یک مفهوم چندبعدی است که متغیرهایی مانند کالبد، مناسبات اجتماعی و سپهر فرهنگی و روانی در تشکیل آن بسیار مؤثر هستند. در این میان، تحلیل الگوهای فضایی پدیده‌های اجتماعی و رفتارهای انسانی مانند فقر و فرهنگ فقر شهری به‌ویژه در محدوده‌های مطالعاتی کوچک (شهر و محله‌های شهری) تأکید بیش‌تری بر کاربرد فرایند «انتشار گسترشی»^۱ و الگوهای «انتشار فضایی»^۲ آن دارند. در الگوی فضای شهری، نقش تراکم‌ها و به‌خصوص، تراکم اجتماعی و تراکم فضایی بسیار جدی و اثرگذار است. تراکم اجتماعی بر تعداد افراد که باهم روابط و مناسبات دارند، تکیه دارد، درحالی‌که تراکم فضایی بر موقعیت و کالبد تأکید می‌کند. تراکم فضایی اغلب با شاخص‌های تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی بیان

۱- Expantion Diffusion

۲- Spatial Diffusion

می‌شود، اما دیگر شاخص‌ها و عوارض فضایی از جمله شبکه معابر و فعالیت‌های شهری (کاربری‌ها) نیز به نوبه خود سهم به‌سزایی در تراکم فضایی دارند. در دیگاه نظری ساخت‌یابی، این شرایط سازمان دادن مستمر یا تغییر شکل ساخت‌ها است که به بازتولید نظام‌های اجتماعی می‌انجامد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵). بر اساس نظریه ساختی- عاملیتی گیدنز، نوع و میزان آسیب‌های اجتماعی، بازتولید آن‌ها، ساختارهای کالبدی و فضای شهری به دلیل حضور عامل قدرتمند فرهنگ فقر شهری و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده این عامل، یعنی فرهنگ فقر اولی/ انتقالی، فقر فرهنگ شهری/ شهرنشینی، فقر شهری و فرهنگ فقر عام است که در فضای شهری ساکن و هم‌افزا می‌شود و کیفیت زندگی شهری را در یک بازی دوسویه عامل‌ها (عاملیتی) و ساختارها (ساختی) بر ساخت می‌کند.

۳- روش پژوهش

پژوهش سازه اجتماعی است که با ویژگی‌های چستی؟ چرایی؟ و چگونگی؟ باید سامان یابد (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۶). با توجه به ماهیت موضوع پژوهش که مبنای مقاله حاضر است و به حکم روش‌شناسی، روش پژوهش از نوع «ترکیبی هم‌زمان»^۱ و «ترکیبی متوالی»^۲ است. با توجه به ساختار پرسش‌های پژوهش و برای کشف واقعیت‌ها، ظرفیت‌های موجود مرتبط با موضوع و پرسش‌های پژوهش در اجتماعات محلی و جامعه آماری پژوهش، از یک طرف می‌بایست با چراغ رویکرد استقرایی و با بهره‌مندی از روش‌های کیفی، به کشف این واقعیت‌ها می‌پردازیم و از طرف دیگر، با توجه به مدل مفهومی، چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش بر ساخت شده از یافته‌های پژوهش کیفی، می‌بایست با رویکرد قیاسی و در قالب روش‌های کمی مانند پژوهش پیمایشی، فرضیه‌های پژوهش را آزمون می‌کردیم؛ به عبارت دیگر، وضعیت فضای شهری با شیوه‌های روش میدانی مشاهده و تصویربرداری می‌شود و برای تعریف و رتبه‌بندی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری از روش/ شیوه کیفی گروه متمرکز^۳ بهره بردیم. از طرف دیگر، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش کمی پیمایش بهره جستیم. برای انجام پیمایش ابتدا به شیوه خوشه‌ای از خوشه محله‌های شهری هر منطقه (۱۰ و ۱۷) دو محله به شیوه

۱- Simultaneous combination

۲- Consecutive combination

۳- Focus Group

تصادفی ساده انتخاب و سپس به شیوه نمونه گیری جی پاور ۳۶۰ خانوار (پاسخ گو از هر خانوار) انتخاب و پرسش نامه های پژوهش گر ساخته که میانگین روایی آن با آزمون آلفا کرباخ ۹۴٪ بود، تکمیل شد.

جدول ۱- توزیع روش ها و ابزارهای گردآوری داده ها، جوامع آماری، شیوه نمونه گیری و جمعیت نمونه ها، بر اساس پرسش های کلیدی / مفاهیم اساسی، محل و شیوه ارائه یافته های پژوهشی

ردیف	روش ها و ...		جامعه آماری و نمونه ...			یافته ها کارایه در گزارش	
	رویکرد	روش	ابزار گردآوری	جامعه	نمونه گیری	حجم	روایی
۱۱	کمی	پیمایش و پیمایش ها	پرسش نامه پژوهش گرساخته	ساکنان هاشمی و آباد	تصادفی هدفمند، شهای	۳۰۰ نفر و ۶۰ نفر	شیوه خبرگی کرباخ با میانگین ۹۴٪
۲۲	کیفی	فوکوس مصاحبه ها، جلسات و ...	پرسش نامه، مشاهده و مصاحبه ها	مردم، گروه های و متعدد	هدفمند، رله برفی و ...	۲۶ نفر + ۱۲	خبرگی، شکر و اشباع لری

۴. تحلیل تجربی

باتوجه به دامنه وسیع یافته های پژوهش که اساس مقاله پژوهشی حاضر است، تلاش می کنیم، برخی از آن ها را که مرتبط با عنوان نوشتار/ مقاله حاضر است، در دو بخش توصیفی (یافته های حاصل از روش های اسنادی، فوکوس گروپ، مشاهدات میدانی و غیره) و تبیینی (نتایج حاصل از فرض آزمایی) توصیف، تبیین و تحلیل نماییم.

۴-۱. یافته های توصیفی / کیفی

جمع بندی و تحلیل تطبیقی نیم رخ جامعه آماری فراگیر پژوهش

بر اساس یافته های پویشی (مشاهدات و مصاحبه ها) و همچنین بهره مندی از

یافته‌های اسنادی پژوهش^۱ موارد ذیل در قلمرو و دامنه فراگیر جامعه آماری پژوهش (برون خوشه‌ها) و محله‌های نمونه پژوهش (درون خوشه‌ها) به شرح ذیل قابل توصیف و تأمل است.

محله هاشمی با: سن سرپرستان خانوار میانگین حدود ۵۵ سال، جنسیتشان با میانگین ۸۷ درصد مرد، تحصیلاتشان با میانگین ۸ کلاس سواد، محل تولد ۵۹ درصد تهران، قوم و گویش حدود ۳۵ درصد آذری و غیره، بسیار متفاوت از محله یافت‌آباد است و واریانس‌های قابل تأملی دارند. سن سرپرستان خانوار محله یافت‌آباد با میانگین ۴۷ سال سن، با ۸۹ درصد مرد، تحصیلات ۸ و نیم کلاس، اشتغال حدود ۷۱ درصد، قوم و گویش آذری با حدود ۵۷ درصد، محل تولد حدود ۵۰ درصد تهرانی و غیره، از محله هاشمی متفاوت است. بررسی متغیر اشتغال، نشان می‌دهد این شاخص در محله‌های منطقه ۱۰ کمتر و در محله هاشمی حدود ۴۷ درصد و برای منطقه ۱۷ بیش‌تر و برای محله یافت‌آباد حدود ۷۱ درصد است. میانگین مساحت محله‌های هر دو منطقه در حوزه بلافصل حدود ۷۵ متر است و در کل، میانگین مساحت بناهای منطقه ۱۰، دوازده متر کمتر از منطقه ۱۷ است. میانگین قدمت بنای محله‌های مناطق ۱۷ و ۱۰ متفاوت و واریانس بیشتری دارند. محله هاشمی با حدود ۳۳ سال بسیار فرسوده و محله یافت‌آباد با ۱۸ سال از فرسودگی کمتری برخوردار است. مساحت ساختمان مانند ریزدائگی در این دو منطقه شهری متفاوت و معنی‌دار است و منطقه ده ریزدانه‌ترین منطقه شهر تهران می‌باشد محله هاشمی با ۷۴ درصد بیش‌ترین و منطقه ۱۷ با حدود ۵۰ درصد کمترین میزان مالکیت بر املاکشان را دارند و هاشمی‌ها مالک‌ترین و یافت‌آبادی‌ها مستأجرترین هستند. «ساختار قومی^۲» و فرهنگی محله‌ها بسیار قابل تأمل است. هرچند اکثر شهروندان این مناطق و محله‌ها، دارای منشأ شهرستانی و به‌طور عموم غیر تهرانی هستند ولی تنوع فرهنگی و «قومی^۳» آن‌ها هم قابل تأمل است. محله‌های یافت‌آباد و هاشمی با ۵۶ درصد و ۳۵ درصد گویش آذری

۱- در پژوهش مزبور به‌غیر از یافته‌های کیفی مزبور از یافته‌های پژوهش مرتبط گروه مطالعاتی هم‌سو مانند: آمار تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵، گزارش مهندسین مشاور هگرا (۱۳۹۹)، وب‌سایت‌های مدیریت شهری، گزارش شهر دوستدار کودک (مهاجری، ۱۳۹۵) و بازآفرینی شهری محور ایوذر (مهاجری، ۱۳۹۷) هم بهره بردیم.

۲- Ethnic structure

۳- Ethnic

بیشترین تمایزات فرهنگی قومی را دارا می‌باشند. احساس تعلق محله‌ی و روابط محلی و نظامات اجتماعی حاکم بر تعاملات آن‌ها، سنتی، از نوع سرمایه اجتماعی عمودی و قوم محور است و غریبگی شهری در آن‌ها کم‌تر معنی دارد. «محل استقرار و نفوذ گروه‌های مرجع غالب در منطقه ۱۷ از نوع اقتصادی، مدنی و در منطقه ۱۰ مذهبی - سنتی است». محله هاشمی زنانه‌ترین محله تهران است، چون که بیشترین زنان سرپرست خانوار را دارد. شرایط شکل‌گیری مدالیت‌های آسیب و جرم‌زا در منطقه ۱۰ بالا است و شرایط شکل‌گیری مدالیت‌های اقتصادی و سالم در منطقه ۱۷ مستعدتر است. از این روی، در این مناطق واریانس‌ها هم از جهت گونه مدالیت‌ها و همه از حیث سرعت و میزان شکل‌گیری آن‌ها زیاد است. بسترهای زایش جرائم و آسیب‌های شهری در این منطقه است.

بازتعریف سازه /عامل فرهنگ فقر شهری^۱

از جمله دست‌آوردهای پژوهش، تعریف خبرگانی از فقر شهری، فقر فضای شهری و به‌ویژه فرهنگ فقر شهری و تدوین سازه مفهومی و نظری آن‌ها است. در فرایند پژوهش کیفی گروه متمرکز متخصصان و اجماع آنان بر اساس داده‌های که دارای اشباع نظری بود، فقر شهری برای شهر تهران و به‌ویژه برای جامعه آماری پژوهش، بر اساس الگوی طراحی و ساخت نظریه به‌مثابه یک نقشه راه برای راهنمایی پژوهشگر (چلبی، ۱۳۹۰: ۲۳) بومی‌سازی شد. «فقر شهری، بر ساخت جدیدی با گسترش انتشاری فقر در شهر است که بی‌آمد توسعه ناپایدار کشور بوده و از طریق مهاجرت گروهی / گله‌ی و استقرارشان در فضاهای نامطلوب و فقیر شهری به وجود می‌آید، عدم دسترسی به منابع معیار شهری و زیستن در انواع مساکن غیررسمی با تراکم‌های نامطلوب، عدم/کم‌برخورداری از سرانه‌های شهری از نشانگان آن است و از مهم‌ترین پی‌آمدهایش بازتولید و شیوع آسیب‌های شهری و کیفیت زندگی پایین شهری است»^۲. به‌تعریف دیگر، فقر شهری با ویژگی‌های فرهنگی، روانی و اقتصادی و به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ، مستعد بازتولید شونده‌ی که از یک فقر روستایی و یا یکی از مناطق اولیه فقر، به صورت دسته‌جمعی / گله‌ی به شهر کوچ و انتقال می‌یابد و نطفه آغازین فقر شهری می‌شود که با انباشت در فضاهای بی‌کیفیت شهری تغییر شکل داده و به صورت فزاینده به شکل یک

۱- سازه فرهنگ فقر شهری و مؤلفه‌های آن از نتایج فکوس‌گروپ تخصصی پژوهش حاضر است.
۲- از آورده‌های مفهومی پژوهش حاضر است.

انسجام در پیکره میان فرهنگی فرهنگ فقر شهری.....

فقر شهری فرجه درمی آید. این نوع فقر در بسیاری از موارد در تولید چرخه‌ی خویش مستمر بازتولید می‌شود. بر اساس قوانین دانش اقتصاد، دام یا چرخه فقر توسط مکانیسم‌های خود تقویت کننده‌ای ایجاد می‌شود که باعث می‌شود فقر پس از انتقال از یک محیطی به محیط دیگر و یا حتی در درون یک محیط ادامه یابد. این وضعیت می‌تواند در طول نسل ادامه داشته باشد. در پژوهش حاضر برای اولین بار است که این سازه و مفهوم نظری و ابعاد/ متغیرهای تشکیل دهنده آن با بهره‌مندی از برخی گزاره‌های نظری و هم‌اندیشی متخصصان مرتبط تعریف که یافته‌های مفهومی و نظری آن در قالب جدول شماره ۲، تدوین و ارائه می‌شود.

جدول ۲- توزیع سازه/عوامل فرهنگ فقر شهری و ابعاد/متغیرهای آن بر اساس تعاریف نظری/

مفهومی‌شان

نام عامل/ سازه	تعریف نظری/ مفهومی عامل	ابعاد/ متغیرها	تعاریف ابعاد/ مؤلفه‌های عامل
فرهنگ فقر شهری	سازه‌ای مرکب از ابعاد پنج‌گانه زنجیر فرهنگ فقر انتقالی، فقر فضای شهری فقر فرهنگ شهری / شهرنشینی، فقر شهری و فرهنگ فقر عام که در پی آمد توسعه ناپایدار جامعه کشور و توسعه نامتوازن شهری می‌باشد فرایند چرخه معیوب نظام سرمایه جهانی زایش، تثبیت/ نهادی و برس می‌شود و گونه/ شیوهی از زیست شهری می‌گردد.	فرهنگ فقر انتقالی/ او	فقری با ویژگی‌های فرهنگی، روانی و اقتصادی و به‌عنوان خرده‌فرهنگ مستعد بازتولید شونده‌ی که از یک فقر روس و یا یکی از مناطق اولیه فقر، به صورت دسته‌جمعی/ گله شهر کوچ و انتقال می‌یابد و نطفه آغازین فقر شهری می‌شود که با انباشت در فضاها بی‌کیفیت شهری تغییر شکل دام به صورت فزاینده به شکل یک فقر شهری فرجه درمی‌آید.
		فقر فضای شهر	فقر فضای شهری، یعنی فضای فاقد غنا و ناهمسازی مثل طلایی فضای شهری (کالبد، مناسبات اجتماعی و سپهر فرهنگی) با یک فضای فرهنگی اجتماعی مکانیکی غیرپوش مشحون از تراکم‌های تهدیدکننده، با عدم دسترسی‌های مطلوب به سرانه‌های کالبدی، خدماتی، اجتماعی، فرهنگی هنری که سپهر کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شهر را برای ساکنانش نامطلوب و نامطبوع می‌سازد.
		فقر فرهنگ شهری	فقدان نظام معیارین و وجدان شهری (ارزش‌ها و هنجارها یا آنومی ارزشی در شیوه زندگی شهری برای زیست شهر مطلوب است و مهم‌ترین پی‌آمدهایش، عدم دسترسی به پایدار شهری (شغل، درآمد، مسکن و اقتصاد پایدار)، ارزش و فضیلت‌های شهری (فرهنگ شهرنشینی) و حاشیه‌نشینی شهری (عدم دسترسی به خدمات معیار شهری) می‌باشد

فقر شهری، بر ساخت جدیدی با گسترش انتشاری فقر در شهرها است که در پی آمد توسعه ناپایدار کشور، از طریق مهاجرت و ازدحام اش در فضاهای نامطلوب شهری به و می آید، عدم دسترسی به منابع معیار شهری و زیستن در تراکم های نامطلوب شهری از نشانگان آن است و مهم ترین پی آمدهایش بازتولید و شیوع آسیب های شهری و کیفیت زندگی پایین شهری است	فقر شهری		
بر اساس تعریف اسکار لوئیس، فرهنگ فقر یک امر آموخته انتقالی (انتقال به نسل ها) و شیوهی برای زیستن به عنوان خرده فرهنگ با خصیصه جهانی و فراتر از منطقه، شهر، روستا و ... با ابعاد روانی، اقتصادی و اجتماعی است.	فرهنگ فقر عام مشدد		

بر اساس نظر و اجماع خبرگانی با تخصص های مختلف مرتبط با موضوع ساختمان / سازه عامل فرهنگ فقر شهری از ترکیب ابعاد چهارگانه: فرهنگ فقر انتقالی، فقر فضای شهری، فقر فرهنگ شهری و فقر شهری که هر کدام دارای شاخص های متعددی می باشند، بر ساخت شده است که خود با یک هویت مستقل دارای ساخت و کارکرد خاص است. در ادامه نوشتار مؤلفه ها و شاخص های ابعاد تشکیل دهنده سازه «فرهنگ فقر شهری» بر اساس یافته های خبرگانی را در قالب جدول شماره ۳، تدوین و معرفی می کنیم

جدول ۳- توزیع متغیرهای عامل فرهنگ فقر شهری بر اساس ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های تشکیل دهنده

ابعاد	مؤلفه ها	ردیف	شاخص ها
فرهنگ فقر عام / مشدد	روانی	۱	حساس شدید محرومیت
		۲	حساس بی ارزشی و بی اعتباری
		۳	تمایل به انزوای مکانی و اجتماعی
		۴	روحیه پرخاش گری و عصبانیت
		۵	آشفته گی های روحی و روانی
		۶	ناامیدی و ترس / دلهره
		۷	تمایلات به لذت های جنسی / سکسی و غذایی / خوردنی
	اجتماعی و فرهنگی	۸	در لحظه بودن و بی تفاوتی به آینده

خرده فرهنگ دله دزدی، کیف‌قاپی و...	۹		
استفاده از وسایل دست‌دوم و کهنه	۱۰		
باور/ اعتقاد به تقدیرگرایی	۱۱		
زنانه شدگی فقر/ فقر زنانه	۱۲		
تعصبات جنسی و ناموسی	۱۳		
وجود مراکز اعانه‌ای و خیریه‌ای	۱۴		
میل به لذت‌جویی آنی	۱۵		
عدم مشارکت اجتماعی در امور محله	۱۶		
عدم اعتماد به مسئولین	۱۷		
عدم شغل ثابت/ پایدار	۱۸	عدم/کم دسترسی به فرصت‌های	فقر شهری / اقتصادی
عدم درآمد پایدار	۱۹	معیشتی / خرد	
داشتن زندگی معیشتی اعانه‌ای	۲۰		
عدم دسترسی مناسب به حمل‌ونقل شهری	۲۱		فقر شهری / اقتصادی
عدم دسترسی نامناسب به خدمات شهری (سراهنای آموزشی، رفاهی، تفریحی، بهداشتی، فضای سبز و...)	۲۲	عدم/کم دسترسی به خدمات متعارف شهری (ساختاری و کلان)	
عدم دسترسی به منابع اقتصادی و درآمدی شهر (بازار، کسب تولید و ...)	۲۳		
بیشتر اهالی محله به صورت قومی به این منطقه/ محله مهاجر زندگی می‌کنند	۲۴	وضعیت گذشته	فرهنگ فقر انتقالی / اولی
بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند	۲۵		
بیشتر اهالی محله وضعیت سابق و فرهنگ اولی را حفظ می‌کنند	۲۶	وضعیت کنونی (هنوز هم)	
بیشتر اهالی مکانیزم‌های سنتی حفاظت اجتماعی استفاده می‌کنند	۲۷		فقر فرهنگ شهری نسبی
عدم تمایل به استفاده از مراکز و امکانات فرهنگی و تفریحی تهران	۲۸	مکت / میل به ملاقات شهری	
عدم تمایل و حضور در تفریحات فضاهای عمومی شهری و بیرون از خانه (خیابان‌ها، مکان‌های سوم، پارک‌ها و...)	۲۹		
عدم/ کم دسترسی و فعالیت در منابع قدرت شهری (احزاب، مدیریت شهری و ...)	۳۰	فعالیت‌های مدنی و سیاسی	
عدم/ فعالیت کم در سمن‌های شهری (زیست‌محیطی، فرهنگی)	۳۱		
دوگونگی های ارزشی / آنومی شهری	۳۲	اخلاق شهری (آداب و حقوق)/ فض	

شهری	۳۳	عدم فرهنگ غربیگی
	۳۴	عدم / کم فهمی ارزش های زیست شهری، مانند ترافیک، آپارتمان نشینی و ...)
	۳۵	عدم/کم آشنایی و رعایت حق به / از شهر یا فقدان فرهنگ مطالبه گری شهری
فضای شهری	۳۶	تراکم ها و سرانه های کالبدی مانند شریان های ارتباطی، ساخته عمومی، دولتی و خصوصی، بافت های مسکونی با ویژگی فرسودگی و ریزدانی و ... که بر اساس طرح ها و اقدامات تعریف و اجرا می شود. به عبارت دیگر، تراکم فضایی کالبدی و عینی و فیزیکی از انبوهی یا حجم بارگذاری در یک واحد است که بر روابط و رفتار فضایی انسان تأثیر می گذارد
	۳۷	میزان سرانه های خدمات معیار شهری در یک واحد جغرافیایی یک محله
	۳۸	تراکم اجتماعی بر تعداد افراد که با هم روابط و مناسبات، همچنین تراکم جمعیتی مساوی است با تعداد جمعیت / شهر در یک واحد جغرافیایی
	۳۹	میزان سرانه های موجود، فعال و مؤثر در یک واحد جغرافیایی یک محله شهری

۴-۲. یافته های توصیفی پیمایش

برای تعیین وضعیت عامل فرهنگ فقر شهری، ابتدا نتایج یافته های توصیفی هر یک از ابعاد/ متغیرهای تشکیل دهنده این عامل فرهنگ فقر شهری را با ترکیب و کامپیوت کردن ابعاد تشکیل دهنده آن سنجش و در جدول شماره ۴ نتایج آن را گزارش می کنیم. تلاش می کنیم تا تفاوت های درون خوشه و برون خوشه ابعاد تشکیل دهنده فرهنگ فقر را به شیوه مقایسه ای و تطبیقی، مشخص کنیم.

جدول ۴ - توزیع نسبی نمونه های پژوهشی بر اساس نظراتشان در مورد توزیع ابعاد فرهنگ فقر شهری محله شان

میزان شیوع در محله و رتبه		ابعاد فرهنگ فقر شهری
یافت آباد	هاشمی	
%	%	
(۵)۴۳	(۲)۷۳	فقر فرهنگ شهری/ شهرنشینی

فقر فضای شهری	۸۰ (۱)	۴۵ (۴)
فرهنگ فقر انتقالی / اولی	۶۹ (۴)	۴۸ (۳)
فقر شهری / اقتصادی	۶۷ (۵)	۴۹ (۲)
فرهنگ فقر عام	۷۲ (۳)	۵۵ (۱)
میانگین (فرهنگ فقر شهری)	۷۲	۴۸

باتوجه به نتایج و یافته‌های جدول شماره ۴ در محله هاشمی، درصد فقر فضای شهری با رتبه ۱ و فقر فرهنگ شهری با رتبه ۲ بسیار زیاد است. در محله یافت آباد درصد فرهنگ فقر عام رتبه ۱ و فقر شهری رتبه دوم را دارد. در مجموع، بر اساس نظر پاسخ‌گویان ۷۲ درصد اهالی محله هاشمی دارای فرهنگ فقر شهری است و این عدد برای محله یافت آباد ۴۸ درصد است. دلیل وضعیت بهتر محله یافت آباد به فرهنگ فقر اولی و انتقالی و فرهنگ شهرنشینی و دسترسی‌های اهالی این محله به منابع اقتصاد شهری برمی‌گردد. چنان که در معرفی محله‌های پژوهش گزارش کردیم، وجود بازار بزرگ مبلمان و برخی بازارهای مستقر در این محله و وجود برخی مؤلفه‌های شهری، وضعیت این محله را تحت تأثیر قرار داده و از شیوع فرهنگ فقر شهری تا حدودی کاسته است.

جدول ۵- توزیع فقر فضای شهری محله‌های پژوهش بر اساس عناصر تشکیل دهنده‌اش

یافته‌های پژوهش		دامنه اندازه‌گیری		
منطقه ۱۷	منطقه ۱۰	فراوانی	متغیرها	عامل
یافت آباد	هاشمی			
۳۶	۶۴	نسبی	تراکم کاربری‌های خدماتی محله	مطلوبیت / فقر فضای شهری
۳۰	۸۹		تراکم کاربری‌های کالبدی (سازه‌ها و محله)	
۵۷	۷۹		تراکم کاربری‌های اجتماعی	
۵۸	۸۹		تراکم کاربری‌های مناسبات فرهنگی / هنری	
۴۵	۸۰		میانگین	

به دلیل اهمیت و وزن بیش‌تر عامل میزان مطلوبیت / فقر فضای شهری در پژوهش حاضر و نقش بسیار مهمی که در تولید و بازتولید فرهنگ فقر شهری ساکنان محله‌های پژوهش دارد، آن را به‌عنوان یک عامل مستقل بررسی و سنجش کردیم. با نگاهی به ابعاد تشکیل دهنده میزان مطلوبیت / کیفیت و یا فقر فضای شهری محله‌های هاشمی و یافت آباد و یافته‌های پژوهشی بر اساس جدول شماره ۵، درمی‌یابیم که وضعیت بافت‌های مسکونی

فرسوده، ریزدانی آن‌ها، وجود بناهای مخروبه شکل، سازه‌های مربوط به ساختمان و بناهای عمومی، زوائد بصری، تفاوت‌های قابل توجه کاربری‌های فرهنگی و تراکم‌های مربوط به آن‌ها در محله هاشمی بسیار نامطلوب‌تر از محله یافت‌آباد است.

۳-۴. یافته‌های تبیینی

فرضیه اول: «میان میزان شیوع ابعاد فرهنگ فقر شهری در جامعه آماری پژوهش همبستگی و رابطه معناداری وجود دارد».

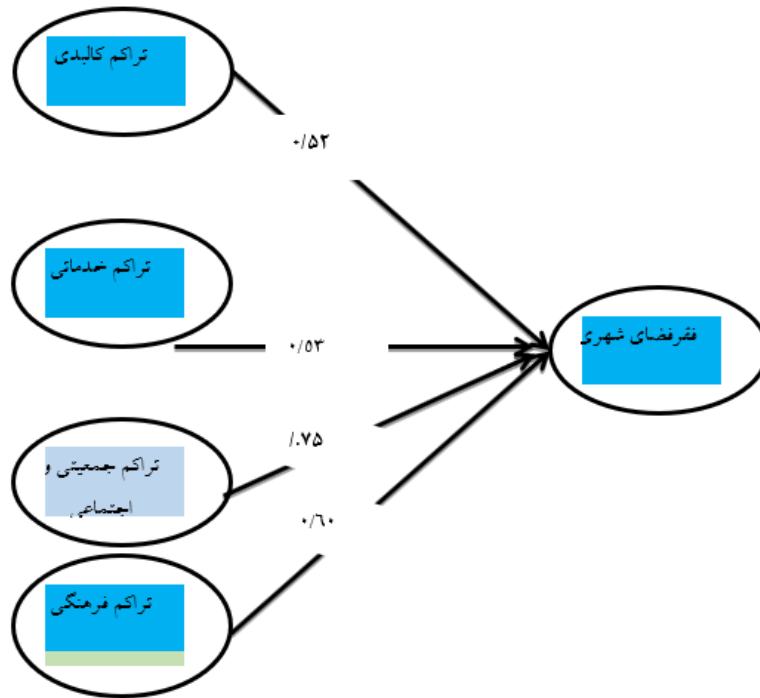
فرض روشی و بینشی این است که میان ابعاد تشکیل‌دهنده سازه فرهنگ فقر شهری، انسجام درونی و هم‌سویگی وجود دارد و با کاهش/افزایش میزان یکی آن‌ها، میزان سایر ابعاد هم‌کاهش/افزایش می‌یابد. البته مشخص شدن متغیر/بعد مؤثرتر سازه مزبور هم از نتایج آزمون این فرضیه است. با توجه به انجام آزمون رگرسیونی تحلیل مسیر برای خوشه متغیرها/ابعاد تشکیل‌دهنده سازه نظری فقر، یافته‌های آن را در ادامه گزارش و در قالب جدول شماره ۶ و شکل شماره ۴، توصیف و تبیین می‌کنیم.

با توجه به مقادیر جدول شماره ۶ میان ابعاد فرهنگ فقر شهری محله‌های پژوهش، هم‌همبستگی زیاد وجود دارد و هم ضریب تعیین و تبیین واریانس/تغییرات ابعاد زیاد است؛ به عبارت دیگر، این سازه یک سازه منسجم و با ضرایب همبستگی زیاد می‌باشد. نتایج، یافته‌ها و تحلیل فرضیه مزبور و ابعاد/متغیرهای کلیدی تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری، نشان می‌دهد که فقر فضای شهری و سهم باورها، کلیشه‌های قالبی، الگوهای عمل و به عبارتی، فرهنگ در تعیین و تبیین واقعیت‌ها اجتماعی، اقتصادی و شهری خیلی زیاد است. در بررسی تطبیقی وضعیت اثربخشی و تأثیرگذاری ابعاد و متغیرهای تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری، در میان دو محله هاشمی و یافت‌آباد، نتیجه آزمون نشان می‌دهد که اهالی محله یافت‌آباد نسبت به محله هاشمی، کم‌تر و در برخی ابعاد دارای فرهنگ فقر شهری متمایز و متفاوت هستند. در محله هاشمی فرهنگ فقر شهری شیوع بیش‌تری دارد و مشاهدات میدانی هم با یافته‌های مزبور هم‌خوان است.

فرضیه دوم: «میان ابعاد تشکیل‌دهنده میزان مطلوبیت/کیفیت فضای شهری همبستگی و رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۷- توزیع ابعاد فقر فضای شهری بر اساس میزان ضرایب همبستگی، تعیین و سطح معناداری شان				
متغیرهای فقر فضای شهری	تعداد پاسخگویان	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
تراکم کالبدی	۳۶۰	٪۷۱۵	٪۵۲	٪۰۰۳
تراکم خدماتی	۳۶۰	٪۷۲۳	٪۵۳	٪۰۰۰
تراکم اجتماعی و جمعیتی	۳۶۰	٪۸۶۷	٪۷۵	٪۰۰۱
تراکم فرهنگی و هنری	۳۶۰	٪۷۷۲	٪۶۰	٪۰۰۰

چنانچه جدول شماره ۷ و شکل شماره ۵ نشان می‌دهند، در سطح ۹۹ و ۹۵ درصد اطمینان میان متغیرهای عامل فقر فضای شهری رابطه وجود دارد و ضرایب همبستگی و تعیین میان آنها نشان می‌دهد که واریانس / تغییرات هر یک از ابعاد توسط بعد دیگر در سطح زیاد و بیش از ۶۰ درصد تبیین و تعیین می‌شود؛ به عبارت دیگر، با کاهش / افزایش تراکم کالبدی (سازه‌ها، ریزدانگی، فرسودگی و ...) تراکم خدمات شهری کاهش / افزایش می‌یابد. همچنین هر چه تراکم اجتماعی و جمعیتی کاهش می‌یابد، تراکم فرهنگی هم کاهش می‌یابد و بالعکس آن هم صادق است. چنانچه از جدول مشخص است، جهت تغییر متغیرها هم‌سو می‌باشد و با تغییر واحدهای هر یک از متغیرها، میزان تغییرات آن دیگری در همان راستا اتفاق می‌افتد. اگر تراکم جمعیتی، اجتماعی، کالبدی افزایش یابد، به طور حتم فقر فضای شهری افزایش می‌یابد و به این طریق فضای شهری برای بازتولید و شیوع آسیب‌های شهری مستعدتر می‌شود. از این روی، تراکم‌ها و سرانه‌ها از شاخص‌های مهم و تعیین‌کننده فقر فضای شهری هستند. یافته‌های توصیفی حاصل از روش‌های کیفی مانند اسنادی (سرشماری‌ها) میدانی (مشاهدات و تصاویر) و ... مؤید یافته‌های فرضیه مزبور می‌باشد. تراکم جمعیتی محله هاشمی چهار برابر استاندارد شهری است.



شکل ۳- توزیع میزان تبیین ابعاد فقر فضای شهری

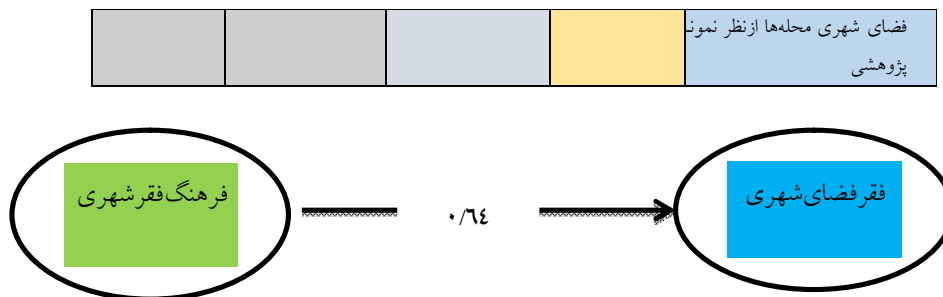
فرضیه سوم: «میزان شیوع فرهنگ فقر شهری جامعه آماری پژوهش میزان تغییرات فقر فضای شهری شان را تعیین و تبیین می کند».

جدول ۸- توزیع مقادیر آزمون t ، معناداری، شدت همبستگی r^2 و ضریب تعیین بر اساس میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در

محلله‌های پژوهش و فقر فضای شهری محله‌ها از نظر نمونه‌های پژوهشی

همبستگی		سطح معناداری	مقدار t	متغیرها
ضریب تعیین	ضریب همبستگی			
۰/۶۴	۰/۸۰	۰/۰۰۰	۰/۵۸۵	میزان شیوع فرهنگ فقر شهری محله‌های پژوهش و مطلوبیت

انسجام در بیکره میان فرهنگی فرهنگ فقر شهری.....



شکل ۴- میزان تبیین فرهنگ فقر شهری و فقر فضای شهری

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸ و شکل شماره ۶، از نظر نمونه‌های پژوهشی میان شیوع فرهنگ فقر شهری (محله‌های هاشمی و یافت آباد) با میزان وجود فقر فضای شهری با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و فرضیه مزبور تأیید می‌شود. فرهنگ فقر شهری دارای خصلت‌های است که هر فرد و یا جامعه‌ای آن را داشته باشد، بستر را برای انتخاب و میزان بهره‌مندی از کیفیت فضای شهری فراهم می‌آورد. میانگین مطلوبیت و کیفیت فضای شهری محله یافت آباد در همه ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی‌اش بیش‌تر و بهتر از محله هاشمی است. این تفاوت معنی‌دار را آزمون T برای دو جامعه مستقل تأیید می‌کند که نتایج آن در جدول شماره ۸ گزارش شده است. شدت همبستگی این دو زیاد و قوی (۸۰ درصد) است. به عبارت دیگر میزان مطلوبیت و کیفیت فضای زیستی یک محله به شدت تحت تأثیر میزان فرهنگ فقر شهری و ابعاد آن می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی فرهنگ فقر شهری به این یافته کلیدی و منطقی رسیدیم که افراد مهاجر که به دلیل فقر و به شیوه گروهی، دسته‌جمعی/ قومی و فرهنگی به برخی محله‌های شهر تهران مانند مناطق ۱۰ و ۱۷ شهری که به‌طور عمده فقر فضای شهری دارند، کوچ و مهاجرت نموده‌اند، با مهاجرتشان فرهنگ فقر/ فرهنگ اولی را با خودشان به محل سکونت جدیدشان انتقال داده‌اند. از این افراد آن‌هایی که در فرهنگ شهری نتوانستند هضم و ادغام شوند، دچار فقر فرهنگ شهری شده و با داشتن میزانی از این فقر به منابع اقتصاد شهری و فرصت‌های پایدار آن دسترسی پیدا نکرده و در تله فقر شهری گرفتار

شدند. این وضعیت و فرایند، فقر شهری و ویژگی‌های آن را گسترش و تشدید نموده و فقر شدید/ مضاعف شده است. در مجموع، با ترکیب این ابعاد باهم‌دیگر، سازه و عامل فرهنگ فقر شهری بر ساخت می‌شود که حاملان این فرهنگ را در فضاهای نامطلوب شهری که در این پژوهش آن را فقر فضای شهری نامیدیم، ماندگار می‌کند، تا بر اساس ترجیحات ارزشی و نظام معیارین جدیدشان در آن فضای شهری نامطلوب/ فقر فضای شهری به بازتولید آسیب‌های شهری پردازند و از این طریق، کیفیت زندگی‌شان را نامطلوب سازند و پایین نگه‌دارند؛ به عبارت دیگر، باورهای فقر و فرهنگ اولی روستایی و یا یک منطقه فقیر به نام فرهنگ فقر که مهاجران با خود به شهر آوردند، هم‌چنان در ادامه مسیر زندگی‌شان مانا است و با عدم ادغام در فرهنگ شهرنشینی، شرایط را در دسترسی به منابع اقتصاد شهری و فرصت‌های زندگی شهری برای صاحبانشان سخت و اندک می‌کند و از این طریق و در این فرایند، واقعیت جدیدی از فقر به نام فرهنگ فقر شهری بر ساخت می‌شود. مهم‌ترین و ظریف‌ترین یافته فرهنگ فقر شهری آن است که در تعامل میان‌فرهنگی، مهاجران فرهنگ مبدأ و مقصد را به گونه و شیوه‌ای ترکیب نموده و ترجیحات ارزشی آن را درونی کردند که فقط با این شیوه یعنی فرهنگ فقر شهری می‌توانند زیست شهری را ادامه دهند و این نوع فرهنگ و شیوه زیست شهری، آنان را از سایر شهرنشینان که از فرهنگ فقر شهری به‌دور هستند، بسیار متمایز می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر در بستر نظری برساختی خود با گزاره‌های نظری، فقر بنت‌گرایو و مولانتن، فرهنگ فقر اسکارلوییس، میدان بوردیو، ساختی‌عملیتی‌گیدنز، فضای شهری لوفر و حق‌به‌شهر هاروی هم‌خوانی دارد. هم‌چنین با یافته‌های پژوهشی، اسکار در مورد خصیصه‌های فرهنگ فقر، پاپ و مک‌فارلی در مورد فقر شدید/ مشدد، کاساردا و ویلسون، فقر فضای شهری، عزیزی، فقر فضای شهری و فرهنگ فقر، احمدی و ایمان، تعامل میان‌فرهنگی فرهنگ مبدأ و مقصد مهاجران در برساخت فرهنگ فقر جدید و هم‌چنین با یافته‌های عینی و شاه‌حسینی در مورد آزمون وجود ویژگی‌های فرهنگی، فرهنگ فقر اسکار در برخی مناطق ایران، هم‌سویگی دارد. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پیشنهاد نوشتار حاضر، فهم درست تعامل‌های میان‌فرهنگی و برنامه‌ریزی مبتنی بر آن، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری شهری و اجرای عدالت شهری با مدیریت مشارکت شهری است.

منابع

- ایمان، محمدتقی؛ احمدی، ایمان (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳، نشریه مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره نوزدهم، شماره ۲ (ویژه‌نامه علوم اجتماعی): ۹۹-۱۱۸.
- اشرف، احمد (۱۳۵۵). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره چهارم: ۹۰-۱۲۰.
- ایمانی، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری کشکولی، علی؛ ذاکریان، ملیحه؛ دهستانی، محمدرضا؛ سیادتان، محمد (۱۳۹۹). فقر و خشونت شهری، تهران: انتشارات صالحیان.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۵). نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، مترجم: حسن چاوشیان، چاپ چهارم، تهران: ناشر ثالث.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴). فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی سال پنجم، شماره ۱۹: ۶۲-۱۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: انتشارات نشر نی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد؛ زاهدی عبقری، ابراهیم (۱۳۹۶). روستایان فقیر و آسیب‌پذیر (خطوط اساسی برای شناسایی قشرهای فقیر و آسیب‌پذیر روستایی). مرکز اطلاعات علمی: <https://sid.ir/paper/416767/fa>
- شاه‌حسینی، پروانه و توکلی، هانیه (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری مورد: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران، فصلنامه آمایش محیط، دوره هفتم، شماره ۲۴: ۱۴۴-۱۲۷.
- عزیزی، علی، فرزام‌پور، اصغر و سنگالچین، اصغر (۱۴۰۱). بررسی رابطه فقر و شاخص عملکرد محیط‌زیست در کشورهای با گروه درآمدی مختلف، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی و سوم، شماره پیاپی ۸۶: ۱۱۷-۱۳۶.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۹). فرهنگ فقر. تهران: تیسرا.
- کرسول، جان دیلو (۱۳۹۶). طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)، ترجمه، دانائی‌فرد، حسن و صالحی، علی، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

- کلهر، احمد (۱۳۸۴). فقر و شیوه‌های مدیریتی مقابله با فقر، مجله اقتصادی، شماره ۴۵ و ۴۶: ۲۰-۲۴.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لوئیس، اسکار (۱۳۶۵). فرهنگ فقر و شناخت آن، ترجمه رجلی حاسبی، تبریز: انتشارات نوبل.
- _____ (۱۳۶۴). پدرمارتینز، ترجمه حشمت‌الله کامرانی، تهران: انتشارات ایران یاد.
- مهاجری، اصغر (۱۳۹۵). مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر دوستدار کودک، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران.
- _____ (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث و توسعه ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب، دانشگاه تهران، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.
- _____ (۱۳۹۹). مطالعات اجتماعی و بازآفرینی شهری محور ابوذر، شهرداری منطقه ۱۷ تهران.
- مهاجری، اصغر؛ نوابخش، مهرداد و ملک‌محمدی، فاطمه (۱۴۰۲). از چاله به چاه (نگاه تطبیقی و تلفیق‌گرا از منظر جامعه‌شناسی معاصر به مسئله‌های بنیادی فقر مضاعف و کیفیت زندگی در شهر تهران)، مجله دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره دوازدهم، شماره ۲۴: ۱۶۹-۲۱۲.
- مهاجری، اصغر؛ نوابخش، مهرداد و ملک‌محمدی، فاطمه (۱۴۰۳). توسعه اجتماعی ناپایدار، شهر نامتوازن و کیفیت زندگی شهری، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره ۳: ۳۲-۵۵.
- مهاجری، اصغر؛ نوابخش، مهرداد و ملک‌محمدی، فاطمه (۱۴۰۳). مدیریت شهری مشارکتی و عدالت شهری (نگاهی تلفیق‌گرا، بین‌رشته‌ای و تطبیقی به مدیریت شهری مشارکتی و تأثیر آن در کیفیت زندگی شهری به‌عنوان شاخص جامع عدالت شهری در شهر تهران)، مجله رسانه جامعه فرهنگ، دوره سیزدهم، شماره ۳: ۲۲-۴۵.
- مولایتین، سند هیل و الدار شفیق (۱۳۹۸). فقر احمق می‌کند، ترجمه امیرحسین میرابوطالبی، تهران: انتشارات ترجمان.
- نوابخش، فرزاد (۱۳۸۷). ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی. پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال اول، شماره ۳: ۷۵-۹۸.

انسجام در پیکره میان فرهنگی فرهنگ فقر شهری.....

- وبر، ماکس (۱۳۷۳). شهر در گذر زمان، مترجم شیوا (منصوره) کاویانی، تهران. انتشارات نشر شهر.

- هاروی، دیوید، لوفور، هانری؛ سوچا، ادوارد؛ دی. لایت، راسل؛ مالون، کارن؛ ا. فرناندو، نیشا (۱۳۹۵). مطالعات شهری؛ نظریه و عمل (ج ۱). ترجمه نرگس خالصی مقدم و آیدین ترکمه، تهران: موسسه نشر شهر.

- هاروی، دیوید (۱۳۸۲). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

- نورمحمدی، مهدی و حاضری، هاتف (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵، مجله رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰: ۴۰۰-۳۶۷.

- هگزا، گروه مهندسی (۱۳۹۹). گزارش اقدام عملی احداث ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب تهران، تهران: معاونت عمرانی شهرداری تهران.

- Dhaliwal, C. (2000). Fundamental of environmental science. India: Kalyani Publishers.
- Greve, B. (2020). Poverty: The Basics, Routledge, 2 park square, Milton park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- fisher, N.I. (1995). Statistical analysis of circular data. Cambridge University Press, Cambridge, UK.
- Lewis, A. (1974). Children of Sanchez. Translated by Heshmatollah Kamrani. First Volume, Tehran, Hermes. - Lewis, A. (1986). Culture of Poverty and its Recognition, Translated by Rajab Ali Hasebi, Tabriz: Nobel Publications.
- Kasard, J. D., Lindsay, G. (2012). Aerotorpolis: The Way Well Live Next. Farrar, Straus and Giroux. Illustrated, September 18, 2012.
- Pacione, M. (2003). Urban environmental quality and human wellbeing—a social